



بازار وکیل

بازار وکیل شهر شیراز یکی از مشهورترین بازارهای سنتی و تاریخی ایران است. این بازار که به فرمان کریم خان زند (۱۱۷۲-۱۱۹۳ ه.ق) ساخته شده اکنون در مرکز شهر شیراز (شرق میدان شهدا) قرار گرفته است. بازار وکیل در گذشته تشکیلاتی داشته که بازرگانان می‌توانستند با اطمینان کامل کالاهای خود را در آن به امانت بسپارند و در موقع لازم از آن استفاده نمایند.

این بازار که از نظر معماری دارای سه فضای عبور و مرور (فضایی برای گذر مشتریان - حریم مغازه (به ارتفاع تقریبی ۲ پله بالاتر از سطح زمین) فضای مغازه (محل فروش) است دارای پنج در بزرگ است که در چهارسوی آن قرار گرفته است. هم‌چنین شامل دو رشته شمالی - جنوبی و شرقی - غربی است که چون صلیبی یکدیگر را قطع می‌کنند در تقاطع این دو رشته چهارسوق قرار گرفته است که بر روی یک هشتی قرار دارد این چهارسوق دارای طاق بزرگ ضربی محکمی است و در پای طاق نیز چند تریج آجرکاری شده است. مصالح ساختمانی این بازارها گچ و آجر و آهک بوده که روی پایه‌هایی از تخته‌سنگ‌های تراشیده قرار گرفته است. سقف چهارسوق که از چهار طرف آن چهار بازار منشعب می‌شود بسیار بلند و با سبک ساختمانی دلپسندی بنا شده است. قسمت‌های مختلف این بازارها بنا بر اساس کارهای صنعتی که در آن انجام می‌گرفته بنام‌های مخصوص خوانده می‌شود مانند بازار بزرگ که انواع کالاها در آن یافت می‌شد. بازار بزازان، بازار بلورفروشان، بازار خیابانها، بازار کلاهدوزها، بازار سراج‌ها و بازار شمشیرگرها. بازار وکیل در ردیف آثار تاریخی کشور به شماره ۹۲۴ به ثبت رسیده و اداره کل حفاظت آثار باستانی ایران در حفاظت آن کوشا است.



منبع: <http://masoumi.persianblog.ir/post/76>

تل باکون مردودشت

تل باکون در فلات مردودشت در قسمت جنوبی استان فارس و در حدود ۳ کیلومتری جنوب غرب تخت جمشید و در وسط مزارع ذرت دو تپه به فاصله تقریبی ۱۰۰۰ متر از یکدیگر قرار گرفتند که به تل باکون مشهور هستند. یکی از تپه‌ها قدیمی‌تر است.

مساحت کل محل نیز ۵۴۰۰۰ متر مربع است. موقعیت این تپه‌ها از لحاظ وضعیت زیست‌محیطی کوهستانی بوده و خاک آن از نوع رسی با پوشش گیاهی عمدتاً شیرین‌بیان و خارستر است این مکان در سال ۱۳۱۲ پروفسور ارنست هرتسفلد مورد کاوش قرار گرفت و طی عملیات حفاری خود موفق شد چهار طبقه از چهار دوره را پیدا کند طبقه اول که پایین‌ترین طبقه دیگر است که فاقد ساختمان و خانه بوده و رنگ خاک سیاه و کوفتگی آن باعث شد کشاورزان به این نتیجه برسند که در این طبقه مردمانی زندگی می‌کردند که هنوز با فنون خانه‌سازی آشنا نبوده و در چادر زندگی می‌کردند.

در طبقه دوم آثار کلبه‌های محقر روستایی که بیشتر به لانه شباهت دارند یافت شده است. این خانه‌ها کوچک به یکدیگر متصل هستند و درب‌های کوتاه و کوچه‌های باریک برای رفت‌وآمد داشته است. در این طبقه استخوان‌های بز کوهی یافت شده و از ظروف سفالی که در گوشه اتاق‌ها باقیمانده حدس زده می‌شود که این دهکده در اثر یک حادثه ناگهانی یا طوفان و زلزله و یا تهاجم قبائل دیگری متروک مانده و ساکنین آن همگی لانه و خانه خود را رها کرده و فرار کرده‌اند سفال‌های ظریف و زیبایی که از این تپه به‌دست آمده با ظروف سفالی که از قدیم‌ترین دوره شوش اول پیدا شده شبیه است و دارای قدمت حدود ۵۰۰۰ سال قبل است.

در تل باکون حتی یک عدد تیر هم پیدا نشده و چنین گفته شده که هنوز تیر و کمان اختراع نشده بوده است. با توجه به این که فلزات نیز در این تپه‌ها به دست نیامده می‌توان گفت که شاید تمدن این منطقه از تمدن شوش قدیم‌تر بوده است. یکتاوتی جنس و شکل سفال‌ها باعث شده که علمای فن این آثار را با اشیاء مکشوفه از شوش هم‌عصر بدانند و گرنه چنانکه گفته شد پیدا نشدن فلز ممکن بود تاریخ این آثار را به پیش از هزاره چهارم ق.م برساند. در کنار ظروف سفالی مجسمه‌های کوچک از حیوانات و پرندگان شیه به بازیچه بچه‌ها به همراه بیکره‌هایی از آدمیان یافت شده است که بیکره‌های انسانی بدون سر می‌باشند که بسیار شگفت‌انگیز است و احتمالاً این‌ها بت‌های کوچک خانگی بوده. به‌احتمال زیاد بیکره‌های مؤنث به ایزد بانوی مادری آن جامعه ابتدایی تعلق دارد که نظام اداره آن بر مادر سالاری استوار بوده است. موضوع اینکه حتی یک بیکره هم پیدا نشده که سر آن را زنده باشند با تخلیه مجتمع مسکونی تل باکون بی‌ارتباط نیست و از نوعی مجازات حکایت می‌کند. بر روی این بیکره‌ها شکل صلیب‌های شکسته یا نمادهای دیگر دیده می‌شود.

در طبقات سوم و چهارم تل باکون آثاری شبیه به طبقه دوم پیدا شد که چندان واضح و ظریف نیست، تاریخ آن کمی بعد از اشیاء طبقه دوم بوده و تصور می‌رود سال‌های زیادی فاصله نداشته باشد. سفال‌های کشف شده در تل باکون عبارتند از: جام‌های آبخوری و سیوهای بزرگ ظریفی که با قلم سیاه خوش‌رنگی تزئین و با نقوش منظم و طرح‌های هندسی نقاشی و طراحی شده است که مهارت و زبردستی استادان فن را نشان می‌دهد. این سفال‌ها فوق‌العاده ظریف و نازک و مثل پوست تخم‌مرغ است. ظرافت و زیبایی آن‌ها به حدی است که با ظریف‌ترین ظروف چینی امروز برابری می‌کنند. از نشان‌های بسیار رایج و معمول در نقاشی سفال باکون، علامت شبیه زتا و زیگمای الفبای یونانی است، همین نشان‌ها و علامت را در چین آن روزگار می‌توان یافت و بر همین اساس چنین استنباط می‌شود که این دو فرهنگ باهم ارتباط داشته‌اند رنگ این ظرف‌ها زرد کم‌رنگ و نقش روی آن‌ها قلم سیاه است و روی بعضی شکل گاو یا بز کوهی نقش شده است.

نقشی که روی ظروف تل باکون از همه نقوش قابل‌ملاحظه‌تر است نقش صلیب شکسته است که مخصوص نژاد آریایی بوده و از روی این مدرک می‌توان حدس زد که مردمان این حدود شاید مثل سایر نقاط ایران از نژاد آریایی بوده‌اند صلیب‌های تل باکون آزاد و بی حاشیه، یا آنکه در دایره‌ای محصورند و گاهی هم درون مربعی جای دارند. شکل صلیب شکسته در اصل نقش خورشید بوده است که مردمان ماقبل تاریخ از نظر احترام و اهمیتی که نسبت به خورشید قائل بوده‌اند نقش آن را روی ظروف سفالی می‌کشیدند که بعدها این نقش به‌صورت صلیب و سپس صلیب شکسته درآمده است. در میان جذاب‌ترین کارهای هنری متعلق به این دوره، ۲ کاسه سفالین در موزه ملی ایران خودنمایی می‌کنند. سطوح خارجی کاسه‌ها با تصاویری از ۲ بز کوهی پوشانده شده است.

هنرمند در طراحی شاخ‌ها تاندازهای مبالغه کرده تا آنجا که شاخ‌ها همه‌جای خالی سطوح را پر کرده‌اند. نقش بز کوهی بر روی کاسه‌ی مخروطی شکل نخودی رنگ به طرز استادانه‌ای طراحی شده است: شاخ گاو مانند ۲ حلقه بزرگ دورتادور ظرف را می‌پوشاند و در بالای شاخ، علامت صلیب شکسته (نماد خورشید) به چشم می‌خورد که این امر نمایانگر رابطه‌ی بین شاخ بز و خورشید است نمونه‌ی دیگری از اشیاء مکشوفه از تل باکون در تخت جمشید که به هزاره‌ی چهارم پیش از میلاد تعلق دارد کوزه‌های نخودی رنگ با گردنی کوتاه است که این کوزه توسط سه خط افقی در دهانه (گردن) و ۲ نوار افقی در قسمت پایین آن تزئین شده است و میان این خطوط تصویری از کی بز کوهی به چشم می‌خورد که سرتاسر سطح کوزه را پوشانده است. نگاره‌های تل باکون نقوش فراوانی از ستارگان و اجرام آسمانی را بر خود دارند. در تل باکون همچنین مجسمه‌های فراوانی پیدا شده که عموماً بیکره‌های زنان هستند. از ویژگی‌های دیگر نگاره‌های تل باکون انواع پرندگان خانواده دراز پانان، انواع پرندگان شکاری با بال‌های بزرگ و نیز انواع آبریزان همچون ماهی و لاک‌پشت و خرچنگ است. این نقش‌ها به‌نشان از وضعیت اقلیمی مرطوب منطقه در دوره استقرار تل باکون دارد. این محوطه دو بار دیگر در سال‌های ۱۹۵۱ و ۱۹۶۵ میلادی به ترتیب توسط لویی واندنبرگ و یک هیئت ژاپنی کاوش‌هایی صورت گرفت و همان‌گونه که در آغاز عنوان شد در فروردین‌ماه سال ۱۳۸۳ یک گروه حفاری به سرپرستی دکتر عباس علیزاده از آمریکا تل باکون را مجدداً مورد کاوش قرارداد تل باکون که به شماره ۱۸۹ در تاریخ ۱۳۱۱/۴/۱۸ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

